

معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته بخش شوسف نهبندان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۰

حسن هاشمی زرج‌آباد^۱

چکیده

با بررسی روشمند باستان‌شناختی در حوزه‌ی بخش شوسف شهرستان نهبندان - جنوب استان خراسان جنوبی و شمال استان سیستان و بلوچستان - چندین سنگ‌نگاره با تنوع نقوش گوناگون کشف و ثبت گردید که می‌توان آنها را گوشه‌ای از آثار هنری و یادمان‌های مردم ساکن در این زیستگاه‌ها قلمداد نمود. این سنگ‌نگاره‌ها در سال ۱۳۹۱ با بررسی پیمایشی با شیوه مکان‌نگاری و طیف ژرفانگر یا فشرده برای نخستین بار کشف گردیدند. نگاره‌های نهبندان در دو منطقه جداگانه به نام‌های "تنگه پنجه دهانه" و "دره انجیر" کشف گردیده است، که بر همین اساس نیز نگاره‌ها نامگذاری شده‌اند. نقوش نگاره‌ها به سه دسته کلی انسانی، حیوانی و سمبلیک تقسیم شده و موضوعات این نگاره‌ها شامل نقش بز، شتر کوهان‌دار، انسانی شکارگر و سوار بر اسب و نقوش مسبک می‌باشد. تمامی این نگاره‌ها به روش کنده‌کاری و با وارد آوردن ضربه‌های متوالی و یا ایجاد خراش با جسمی تیز بر بدنه‌ی صخره، حکاکی شده‌اند. به علت محدودیت‌ها و انجام نشدن آزمایشات شیمیایی بر روی این سنگ‌نگاره‌ها نمی‌توان نظر قطعی درباره تاریخ گذاری آنان انجام داد و این کار مستلزم پژوهشی مستقل و همه جانبه است که نگارنده بر این امید است که در سال‌های آینده با انجام روش‌های نوین آزمایشگاهی و علمی بتوانند تاریخ قطعی برای این سنگ‌نگاره‌ها پیشنهاد دهند. اما مبنای تاریخ‌گذاری سنگ نگاره‌های نهبندان، نمونه‌های بدست آمده از بلوچستان، بجنورد و بیرجند و همچنین محوطه‌های مجاور اثر ذکر شده می‌باشد. به لحاظ سبک کار و ریخت‌شناسی نگاره‌هایی

hhashemi@birjand.ac.ir

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند.

که از هزاره سوم و چهارم ق.م. به دلیل تعاملات گسترده فرهنگی، در سرتاسر حضور شکارگران و دامداران کوچرو این منطقه شاهد هستیم، قرار گرفته است. مقاله حاضر می‌کوشد با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی به معرفی و تحلیل مهمترین این نقوش صخره‌ای، به تبیین و توصیف و تاریخ‌گذاری نسبی آنان پردازد.

واژگان کلیدی: نهبندان، باستان‌شناسی، سنگ‌نگاره، تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها،

شوسف

۱- مقدمه

استفاده از سنگ و صخره در ایران در بیان قدرت سیاسی و ثبت پیروزی‌های پرشکوه صاحبان قدرت، پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد و آثار و نمودهای فراوان آن در دوران تاریخی (از پیش از عیلامی تا اواخر قاجار) شناسایی شده است. اما گونه دیگری از بیان افکار و اندیشه‌ها بر سنگ‌نگاره‌های انتزاعی کنده شده-ای است در اندازه‌های کوچک و به دور از واقعیت که با نقوش برجسته واقع‌گرایانه و در اندازه طبیعی و اغلب بزرگ‌تر از اندازه واقعی حجاری شده‌اند کاملاً متفاوت است. بیش از صدها مجلس یا مجموعه و هزاران تک‌نگاره (موتیف) هنر صخره‌ای (کنده‌نگاره) در سراسر ایران شناسایی و معرفی شده است (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

به عقیده بسیاری از پژوهشگران هنر صخره‌ای نمونه بارز یک هنر جهانی است که قدمت آن به اعماق تاریخ بشر بر می‌گردد و اغلب این هنر را جزو مهمترین شاخه‌های هنرهای تجسمی تلقی کرده‌اند که نخستین جلوه‌های شناخته شده از حس زیباشناختی و طبع هنری اجداد انسان را در نقاط مختلف دنیا به نمایش می‌گذارد.

مکان‌یابی و مکان‌نمایی سنگ‌نگاره‌ها در ایران گام نخست و مبنایی جهت مطالعه و معرفی این نمادهای تاریخی و هنری ملی ایرانیان است. ما در آینده نزدیک ناگزیر خواهیم بود که از ابعاد مختلف، این ارزش‌های تاریخی و هنری را به صاحب‌نظران، متخصصان و کلیه مردم ایران و جهان جهت پژوهش، تحقیق و آشنایی آنان معرفی نماییم تا ضمن معرفی آثار هنری بجا مانده از نیاکان‌مان، مردم ما نیز از مترتبات آنها

منتفع شوند (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۳۶).

پراکندگی هنر صخره‌ای در ایران از شمال تا جنوب و از خاور به باختر را در بردارد. گوناگونی اقلیمی ایران و گستره دامنه‌های فرهنگی منطبق بر این اقلیم چندگانه باعث می‌شود تا تقسیم‌بندی منطقه‌ای هنر صخره‌ای ایران در قالب مرزهای موجود قرار نگیرد و از این‌رو، ۷ منطقه اصلی از نظر ویژگی‌های اقلیمی در نظر گرفته شده که با یکدیگر هم‌پوشانی دارد. نمونه‌هایی از جایگاه‌های هنر صخره‌ای بر اساس این ۷ منطقه اصلی در ایران به شرح زیر است:

۱-۱- شمال شرقی و شمال مرکزی: تهران، کاشان، سمنان و خراسان شمالی؛

۲-۱- شرق: خراسان جنوبی (بیرجند)، کرمان، سیستان و بلوچستان و یزد؛

۳-۱- مرکز و شمال مرکزی: قم، مرکزی، همدان، اصفهان، کرمان و یزد؛

۴-۱- غرب و شمال غرب: بخش میانی زاگرس (کردستان، کرمانشاه و لرستان)،

آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل؛

۵-۱- جنوب غرب: ایلام، خوزستان، چهار محال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد؛

۶-۱- جنوب و جنوب غربی: فارس، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، هرمزگان و

سواحل جنوبی؛

۷-۱- حاشیه دریای مازندران: گیلان، مازندران و گلستان. تاکنون هیچ نمونه‌ای

گزارش نشده است (ملاصالحی، و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

منطقه خراسان به‌ویژه شهرستان نهبندان، همچون سایر نقاط ایران از لحاظ مطالعات نقوش صخره‌ای چندان مورد توجه پژوهشگران نبوده و تا چندین سال اخیر، بررسی با هدف مطالعه بر روی سنگ‌نگاره‌ها صورت نگرفته بود. در بررسی‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر در خراسان بزرگ، نقوش صخره‌ای متعددی شناسایی گردیده، از جمله در شهرستان‌های بجنورد سنگ‌نگاره جریت، در گناباد سنگ‌نگاره گوهردشت، در کاشمر سنگ‌نگاره باغ‌دهنه و در بردسکن سنگ‌نگاره خنجری؛ به‌خصوص در جنوب خراسان و حوزه شهرستان بیرجند، تعداد فراوانی نقش و نگار صخره‌ای کشف شده که شاخص‌ترین آن‌ها سنگ‌نگاره "لاخ مزار" که تنها موردی است که پژوهشی کامل و همه‌جانبه

بر روی آن انجام شده است (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های یافت شده در شهرستان نهبندان از بخش شوسف و دهستان عربخانه، طی بررسی نظام‌مند باستان‌شناختی در سال ۱۳۹۱ توسط نگارنده کشف و ثبت گردید؛ و تا قبل از آن، هیچ‌گونه مطالعه و پژوهشی باستان‌شناختی، در این منطقه صورت نگرفته بود. در این مقاله، تلاش شده است تا بررسی دقیق نقوش و تحلیل و مقایسه آنها با نمونه‌های موجود در مناطق همجوار، بتوانیم گاهنگاری نسبی از این نگاره‌ها به دست آوریم.

۲- معرفی حوزه مورد مطالعه

شهرستان نهبندان، جنوبی‌ترین شهرستان استان خراسان جنوبی است. این شهرستان در موقعیت جغرافیایی ۵۸ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی و عرض جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جنوبی نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. شهرستان دارای دو بخش به نام‌های مرکزی و شوسف و پنج دهستان به نام‌های شوسف، عربخانه، نهبندان، نه و میغان است (خراسان جنوبی در آینه آمار، ۱۳۸۳: ۱).

محدوده‌ی دقیق جغرافیایی سنگ‌نگاره عبارت است از حوزه‌ی جغرافیایی بخش شوسف (دهستان عربخانه و دهستان شوسف) که از توابع شهرستان نهبندان می‌باشند. شوسف به مرکزیت شهر شوسف از بخش شوسف شهرستان نهبندان در ۳۲ کیلومتری شمال شهر نهبندان (مرکز شهرستان) بین ۰۱ درجه و ۶۰ دقیقه تا ۱۷ درجه و ۶۰ دقیقه طول شرقی و ۴۷ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۱۸ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این دهستان از غرب به دهستان عربخانه متصل است. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۱۶۱۰ متر است.

دهستان عربخانه به مرکزیت روستای دهک از بخش شوسف شهرستان نهبندان در ۷۴ کیلومتری شمال غرب شهر شوسف بین ۱۵ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی ۵۸ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۱۸ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این دهستان از شرق به محدوده شهر شوسف محدود می‌گردد. دهستان مذکور با ۱۵۲۰/۷۵ کیلومتر مربع مساحت، ۳۶ درصد از وسعت بخش شوسف را در بر می‌گیرد.

ارتفاع متوسط این دهستان ۱۸۷۲ متر از سطح دریا می‌باشد (نقشه ۱).

۳- پیشینه پژوهش

جنوب خراسان به دلیل بار غنی فرهنگی، همانند سایر بخش‌های خراسان بزرگ دارای آثار و شواهد فرهنگی فراوانی است که همواره مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند. برای نخستین بار در سال ۱۳۲۰ مطالعات باستان‌شناسی پیرامون سنگ‌نگاره‌ها و قرائت کتیبه‌های اشکانی کال جنگال توسط جمال رضایی و صادق کیا گام‌هایی برداشته شد. در سال ۱۹۴۹م/۱۳۲۸ ش. تیم دانشگاه پنسلوانیا به سرپرستی کارلتون استانلی کون غار لکی اسپور نزدیک دهکده خونیک در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب قاین را مورد گمانه‌زنی قرار داد و با توجه به ابزارهای سنگی به دست آمده قدمت آن را به دوران میانی پارینه‌سنگی جدید، تعیین نمود و ساکنان آن را شکارگرانی همانند شکارگران غار بیستون تشخیص داد (زارعی و سروش، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

مهمترین مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی شهرستان نهبندان مربوط است به بررسی و شناسایی آثار تاریخی شهرستان نهبندان که توسط علیرضا نصرآبادی در بهار ۱۳۸۱ انجام گردید.

در تابستان سال ۱۳۹۱ پروژه بررسی باستان‌شناسی بخش شوسف نهبندان توسط نگارنده انجام گردید که منجر به کشف تعداد کثیری از محوطه‌های پیش از تاریخی تا اواخر دوران اسلامی و مراکز کهن ذوب فلز گردید؛ همچنین برای نخستین بار کشف چندین سنگ‌نگاره با موضوعات مختلف در منطقه مورد بررسی نیز از اهم دستاوردهای این پروژه باستان‌شناسی می‌باشد که مقاله پیش رو به معرفی آن خواهد پرداخت (هاشمی زرج آباد، ۱۳۹۱). در تابستان ۱۳۹۲ نیز پروژه پژوهشی باستان‌شناسی-انسان‌شناسی سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی توسط حمیدرضا قربانی و سارا صادقی انجام گرفت که گزارش مقدماتی آن در آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی موجود می‌باشد (قربانی و صادقی، ۱۳۹۲).

۴- روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی است. این مقاله که به دو روش میدانی و آرشیوی که شامل روش یادداشت نویسی و گردآوری اطلاعات از منابع و مآخذ مختلف نگارش یافته، ترکیبی است از پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام شده و اخبار و اطلاعات تاریخی و جمع‌بندی‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و تحلیل‌هایی که از سوی نویسندگان ارائه شده است. اطلاعات لازم جهت انجام مطالعات کتابخانه‌ای این پژوهش از طریق مراجعه به آرشیو سازمان میراث فرهنگی و بررسی سوابق پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام شده در منطقه، به دست آمد. در فعالیت‌های میدانی منطقه که در بخش شوسف (دهستان عربخانه و دهستان شوسف) شهرستان نهبندان است، به صورت پیمایشی و با شیوه‌ی مکان‌نگاری بررسی شد و طی یک فصل کاری تمام منطقه مورد بررسی دقیق قرار گرفت. با توجه به اهداف و سیاست‌های این پژوهش، بررسی پیمایشی با شیوه مکان‌نگاری و طیف ژرفانگر یا فشرده برای پروژه در نظر گرفته شد. در بررسی تمام سطح منطقه مورد نظر به صورت پیمایشی و نیز از طریق پرس و جو از اهالی محل به ویژه کسانی که احتمال می‌رفت اطلاعات بیشتری داشته باشند - مانند چوپانان گله‌دار و کشاورزان بومی - مورد مطالعه قرار گرفت.

۵- ویژگی عمومی نگاره‌های مکشوفه

یک محل مناسب برای نگارگری و ایجاد سنگ‌نگاره می‌بایست لاقلاً دارای یک و بعضاً چند ویژگی خاص برای انتخاب و ایجاد نقوش باشد؛ غالباً نگاره‌ها در ارتباط مستقیم با شکار است و گاهی صحنه‌هایی از شکار و حمله به بزهای کوهی را می‌بینیم. در مواردی دیگر، مضمون این نقوش تغییراتی می‌کند و شامل موضوعاتی از جمله عبور کاروان، اسب سواری، کتیبه‌ها و... می‌شود. به هر حال، مناطقی که دارای نقش بز کوهی و احتمالاً صحنه‌های شکار بوده است اصولاً کمین‌گاه مناسبی برای شکارچیان بوده و احتمال می‌رود این مکان محل تردد گله‌های بز کوهی باشد. از آنجا که تردد گله‌های بز کوهی و شکار آنها در همه ساعات شبانه روز اتفاق نمی‌افتاده شکارچیان می‌توانستند

در مواقعی در داخل کمین‌گاه به فعالیت‌های دیگر از جمله نگارگری بر روی صخره‌ها پردازند و از این طریق نوعی سرگرمی برای خود و به جهت جلوگیری از بروز نخوت ایجاد می‌کرده‌اند. نیز می‌توان گفت این اقدام به نوعی طلب ازدیاد نسل شکار (بز کوهی) و یا افزایش توان و ایجاد جرأت مضاعف در شکار حیوانات بوده است.

وجود مضامینی با عنوان عبور کاروانیان (کوچ‌گران) و حیوانات بارکش از جمله گاو و شتر و اسب که دارای زین و یراق است می‌تواند مؤید این باشد که این مکان‌ها در گذشته به‌عنوان محل‌های عبور و مرور و به نوعی گذرگاه بوده است و حتی می‌توان در این مورد خاص اشاره کرد که شاید ایجاد کنندگان این نقوش همان کوچ‌گرانی بوده‌اند که به منظور استراحت و تازه کردن نفس، لحظاتی را در کنار یک آبشخور و آبگاه توقف کرده‌اند و از این لحظات کوتاه نیز برای ایجاد نقوش بهره برده‌اند. هدف آنها ایجاد نشانه‌ای بوده برای شناسایی مسیر در آینده و یا حتی در مواردی که نقوش بز و حیوانات دیگر در کنار نگاره‌های با مضمون کوچ‌گری است بتوان گفت مجموع این تصاویر برداشتی از طبیعت و دنیای آن روزگار بوده است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۰۷).

به‌طور کلی چنان‌که بیان شد مناطقی که دارای سنگ‌نگاره می‌باشند یک یا چند شاخصه زیر را دارا خواهند بود:

شکارگاه بودن

گذرگاه بودن

وجود آبشخور (آبگاه)

گذارگاه بودن

برآفتاب‌گاه بودن

بومگاه بودن

کنده‌نگاره‌های نه‌بندان از لحاظ موقعیت تقریباً دارای تمامی شرایطی است که اکثر سنگ‌نگاره‌ها در آن واقع شده‌اند که از لحاظ شکارگاه بودن این منطقه باید گفت منطقه نه‌بندان و شوسف، هم‌اکنون نیز دارای انواع مختلف شکار و حیواناتی است که مورد توجه شکارگران واقع بوده و با توجه به این‌که این منطقه به‌عنوان یک بخش کوهستانی

تقریباً منفرد در انتها الیه حاشیه کویر و جایی است که پس از آن دیگر کمتر چین خوردگی زمین به چشم می‌خورد مأمّن خوبی برای حیواناتی است که به این منطقه پناه آورده و زندگی می‌کنند و ارتفاعات چاه‌چشمه نقطه پایانی بر دشت، و سر خط شروع کویر است. در خصوص گذرگاه بودن این محل باید اشاره کرد که علاوه بر این که محل مناسبی برای عبور گله‌ها و دسته‌های حیوانات غیر اهلی کویری بوده، در گذشته مسیر عبور کاروانیانی بوده است که از راه جنوب و جنوب شرق خود را به شمال شرق کشور می‌رساندند و خصوصاً در دوره اسلامی مسیر عبور و مرور کاروانیانی بوده که با هدف زیارت آستان مقدس امام هشتم عزم سفر می‌کرده‌اند و این امر تا سده اخیر نیز ادامه داشته است. دلایل دیگر بر صحت این موضوع وجود نقش شتر به‌عنوان یک حیوان بارکش که در کوچ‌گری و استفاده‌ی کاروان‌ها رکن اصلی بوده است. یک نکته دیگر که در این خصوص حتماً باید بدان اشاره کرد توجهی است که در حال حاضر نیز از سوی دامداران و عشایر منطقه به این سنگ و سنگ‌نگاره‌ها می‌شود و باید گفت که تا حدودی این سنگ توسط آنها مورد احترام است و به نوعی زیارت می‌شود.

درباره گذرگاه بودن این محدوده خصوصاً اطراف سنگ‌نگاره، باید گفت به گونه‌ای است که دسترسی به کوه و ارتفاعات، به جهت پناه گرفتن در آن بسیار آسان است. این نکته در کنار آبشخور بودن این جایگاه می‌تواند نقطه مکمل هم برای ایجاد مکانی مناسب برای حضور شکار در منطقه باشد، خصوصاً که این منطقه محلی منحصر به فرد در حاشیه کویر برای حیواناتی است که کوهستان را به زمین مسطح و دشت ترجیح می‌دهند.

شکل قرارگیری کوه‌ها به گونه‌ای است که در بین خود این کوه‌ها، مکان‌های مسطح کوچکی با شیب نه‌چندان زیاد وجود دارد و اکثراً رو به سمت جنوب (سمت آفتاب) است و به نوعی آفتاب‌گیر است و از طرفی، قرارگیری بعضی از کوه‌ها در جلوی مسیر باد شمالی، باعث جلوگیری از سرد بودن بیش از حد این منطقه می‌شود.

بوم‌گاه بودن یک منطقه در برگزیده شدن آن برای ایجاد یک فضای مناسب برای شکار و به طبع آن، ایجاد نقوش بر روی سنگ‌ها در قدیم بسیار مؤثر بوده است و کوه

خاصی که در چاه‌چشمه قرار دارد این امکان را به سادگی برآورده کرده است؛ وجود شکستگی‌ها و آب‌بردگی‌های فراوان در دل کوه و در ارتفاع‌های مختلف کمین‌گاه‌های مناسبی را برای شکارچیان به وجود آورده است تا از این طریق بتوانند به راحتی به امر شکارورزی بپردازند. بخشی از این ویژگی‌هایی که برشمرده شد مربوط به شرایط خاص طبیعت می‌باشد و برخی از این موقعیت‌ها توسط انسان ایجاد شده است که از آن جمله می‌توان به جداکردن عمدی سنگ بزرگ از کوه شرقی مجاور و غلتاندن آن به پایین کوه، برای ایجاد کمین‌گاه در هنگام شکار بوده است و این امر را می‌توان از بقایای آثار فضای خالی صخره بر آن و محل ضرباتی که با هدف جدا کردن سنگ از کوه بدان وارد شده است تشخیص داد.

سنگ‌نگاره‌های کشف شده از حوزه نهبندان شامل دو صخره مرتفع هستند و از دو منطقه شوسف و عربخانه به‌دست آمده‌اند. این دو مکان در فاصله ۱۰ کیلومتری یکدیگر هستند. سنگ‌نگاره‌ی اولاز در دهستان شوسف، به نام "تنگه پنجه دهانه" کشف و ثبت گردید که در صخره‌ای به ارتفاع چهار متر قرار دارد. سنگ نگاره دوم، با نام "دره انجیر" که از دهستان عربخانه به‌دست آمده است در صخره‌ای به ارتفاع سه متر قرار دارد و شامل نقوش حیوانی و انسانی است.

۵-۱- مکان ایجاد نقوش: سنگ‌نگاره‌های مکشوفه از نهبندان بر روی صخره‌های مرتفع در مناطقی صعب‌العبور در مجاورت منابع آبی مختلف همچون رودخانه و قنات و یا در مجاورت چشمه و آبشخوری طبیعی قرار دارند. از طرفی، این سنگ‌نگاره‌ها، درکناره‌ی راه‌های فرعی کوهستانی که به زیستگاه‌های باستانی راه دارند واقع شده‌اند.

۵-۲- روش اجرایی نگاره‌ها: تمامی این نگاره‌ها به روش کنده‌کاری و با وارد آوردن ضربه‌های متوالی و یا ایجاد خراش با جسمی تیز بر بدنه‌ی صخره، حکاکی شده‌اند. با این تفاوت که برخی نقوش با ایجاد خطوطی در حاشیه به صورت اشکال هندسی محدود شده و فضای داخل آن خالی گذاشته شده است. برخی دیگر از نقش‌ها با همان روش اما به‌صورت تو پر اجرا شده‌اند بدین طریق که تمامی سطح نقش صخره، کنده‌کاری شده است.

۵-۳- کیفیت نقوش: عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش و ماندگاری نقوش از جمله عواملی هستند که می توانند در تعیین قدمت و تقدم و تأخر ایجاد آنها مورد نظر قرار گیرند. عمق و رنگ نقوش حتی آنهایی که در یک صحنه قرار دارند با یکدیگر متفاوت بوده، بدین صورت که عمق برخی به علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی به قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره هم سطح گردیده و یا این که سطح برخی دیگر را زنگار گرفته و با زمینه‌ی صخره هم‌رنگ شده و به همین دلیل به راحتی قابل رؤیت نیستند و تنها از زاویه‌ای مناسب از سطح صخره، متمایز شده و قابل تشخیص می‌باشند. از طرفی، محدودیت سطح یک صخره و تأکید بر ایجاد نقوش در همان سطح در ادوار مختلف باعث شده تا بر روی صخره‌های اصلی، تراکم و انبوهی از نقوش مختلف حک شوند به گونه‌ای که نقش‌ها چسبیده به هم و بعضاً بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و باعث شده تا موضوع آنها قابل تشخیص نباشد.

۵-۴- اندازه‌ی نقوش: اندازه‌ی نقش‌ها متفاوت و از سه سانتیمتر تا ۳۰ سانتیمتر (نقش انسان سوار بر اسب) متفاوت است. وجود زیستگاه‌ها و تپه‌های باستانی مربوط به دوران نوسنگی و ادوار بعد در میانه دشت و حوالی سنگ‌نگاره‌ها می‌تواند عاملی مهم و تعیین کننده در توجیه جایگاه تاریخی و فرهنگی این نقوش و زمان ایجاد آنها باشد.

۵-۵- تنوع و موضوع نگاره‌ها: به‌طور کلی نقش‌مایه‌ها مشتمل بر نقوش انسانی، حیوانی، علائم و نشانه‌های نمادین و یا نقوش گیاهی می‌باشند. در این بین نقوش حیوانی و به‌خصوص بزکوهی و نقشی شبیه سگ، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. نقوش حیوانی مانند بزهای کوهی با شاخه‌ای اغراق‌آمیز، قوچ، گاومیش کوهان‌دار، گربه‌سانان نظیر شیر و یوزپلنگ، اسب، گوزن، گرگ و روباه؛ نقوش انسانی هم مشتمل بر نقش انسان برهنه (مرد) در حال تیراندازی با کمان، انسان در حال انجام مراسم و سوارکاران کمان‌دار، در مجموع صحنه‌هایی از شکار، نزاع و نظیر آن را به‌وجود آورده‌اند.

۶- توصیف نقوش صخره‌ای مکشوفه

۶-۱- سنگ‌نگاره تنگه پنجه دهانه

این سنگ‌نگاره یکی از جالب‌ترین یافته‌های منحصر به فرد در بررسی روشمند باستان‌شناسی در حوزه نهبندان می‌باشد که نقوش بسیار زیبا و متنوع آن شامل نقوش حیوانی و انسانی و هم‌چنین در قسمت پایین سنگ‌نگاره نقوش انسان‌هایی سوار بر شاید اسب دیده می‌شود که شاید به شکار یا جنگ می‌پردازند. این نقوش به صورت مسبک^۱ ایجاد شده‌اند. آثار و نقوش حک شده در این سنگ‌نگاره نیاز به بررسی بیشتر معنایی و مفهومی دارند. به دلیل وجود نقوش حیوانی بر روی صخره‌های سنگی، اهالی منطقه به این گونه نقوش سنگ‌نگاره تنگه پنجه دهانه می‌گویند. هر چند مشابهت‌هایی از نظر نقش موجود سنگ‌نگاره مذکور با نمونه‌های دیگر پیش از تاریخی وجود دارد. نقوش این صخره منحصرأً مشتمل بر دو گونه انسانی و حیوانی است که در ادامه به توصیف آنان می‌پردازیم (تصویر ۱).

۶-۱-۱- نقوش انسانی

پس از نقوش حیوانی، تصویر انسان بیشترین نگاره‌ها را در میان سنگ‌نگاره‌های نهبندان به خود اختصاص داده که در حالت‌های مختلف حکاکی شده است. انسان در حال شکار با نیزه، سوار بر اسب، در حال نزاع با انسانی دیگر به همراه نقش بز، اسب یا گوزن، موضوعات کلی نگاره‌های انسانی را تشکیل می‌دهند. در این سنگ‌نگاره‌ها، نقش انسان به صورت برهنه و بعضاً مسبک ترسیم شده‌اند. اکثر نقوش انسانی را شکارگرانی تشکیل می‌دهند که به صورت نشسته بر روی اسب در حال تیراندازی با نیزه و یا احتمالاً کمان به طرف حیوانات مختلف می‌باشند (تصویر ۲).

به عقیده‌ی محققینی مانند گوردون چایلد^۲ (۱۳۵۷: ۷۷)، استفاده از تیر و کمان از

۱. Stylization یعنی به سبک خاصی در آوردن که با زیبایی قرین باشد. در تصاویر استیلیزه چهره‌ها عموماً به صورت مدور و خالی از عوارضی هستند که نمایشگر خصوصیات مربوط به کالبدشناسی و ترسیم عضلات و استخوان‌ها و دیگر ویژگی‌های فردی باشد.

2. Gordon childe

دوران میان‌سنگی رایج شده است. انسان‌های این دوره، ساختن ابزارها و وسایل مکانیکی ساده‌ای از قبیل تیر و کمان و نیزه را برای افزودن سلاح‌های پرتابی به نیروی عضلانی اختراع کردند. در این دوران، تیغه‌های سنگی موسوم به میکرولیت^۱ را به سر تیر وصل می‌کردند و به این ترتیب، تیر و کمان همراه با میکرولیت به اسلحه‌ی ترکیبی دوران میان‌سنگی تبدیل شده است (عسگری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۸: ۸۲) بر روی صخره‌های دره گاسولای^۲ اسپانیا نقش انسان‌هایی مسلح به تیر و کمان حکاکی شده که به حدود هشت هزار سال قبل نسبت داده شده‌اند (همانجا). در سنگ‌نگاره‌های مکشوفه از بلوچستان ایران و همچنین در ناحیه سیرجان کرمان (فرهادی، ۱۳۷۶: ۵۱). نیز شکارچینی با نیزه و تیر و کمان نشان داده شده، که سنگ‌نگاره‌های شکارگران سواره نهبندان را از نظر فرم و نقش و نحوه‌ی ارائه می‌توان با این نگاره‌ها قابل قیاس دانست.

۶-۱-۲- نقوش حیوانی

۶-۱-۲-۱- نقش سگ‌سانان: نقش سگ و یا احتمالاً گرگ نیز در اندازه‌ها و حالات گوناگون در میان نگاره‌ها به تعداد زیادی ترسیم شده است. به‌طور عمده نقوش سگ به‌صورت ایستاده و در حالت پارس کردن به تصویر کشیده شده است و در بعضی از نقوش حالت تدافعی به خود گرفته است (تصویر ۳). از این نوع سنگ امروزه هم در جنوب شرق ایران به وفور یافت می‌شود و گاهی چوپانان برای حفاظت از گله گوسفندان خویش از این نوع سگ استفاده می‌کنند. این نقوش با نقش ظروف سفالی دوران پیش از تاریخ ایران از یک طرف و نقوش صخره‌ای که در سایر نقاط ایران از جمله سیستان و بلوچستان و خمین و گلپایگان یافت شده‌اند قابل مقایسه هستند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۴۸).

۶-۱-۲-۲- نقش اسب: در تمامی سطح سنگ‌نگاره تنگه پنجه شیر، نقش اسب و انسانی سوار بر آن با سلاحی شبیه نیزه که به‌طرف انسانی دیگر که در مقابل است و یا به‌سوی حیواناتی که در اطرافش هستند نشانه رفته و در حال حرکت است و به نظر می‌رسد نگارگر قصد داشته صحنه‌ی جنگ و ستیز و یا شکار را به بیننده القا نماید

1. Microlit

2. Gasoulai

(تصویر ۱).

۶-۲- سنگ‌نگاره‌های دره انجیر

این سنگ‌نگاره بسیار جالب که نقوش بسیار زیبای آن شامل نقوش حیوانی و نمادین و هم‌چنین در قسمت پایین سنگ‌نگاره نقش شتر کوهان‌دار دیده می‌شود تعدادی نقش کف دست و انگشتان نیز بر این سنگ‌نگاره حک شده است. تعدادی از این نقوش به صورت مسبک ایجاد شده‌اند. نقش یک بز که به صورت بسیار ماهرانه و طبیعت‌گرایانه حک شده از نقوش منحصر به فرد این مجموعه است. از لحاظ مقایسه‌ای می‌توان این نقوش را با سنگ‌نگاره‌های شرق کشور (سیستان و بلوچستان) مقایسه نمود. درباره صخره‌ای که نقوش بر روی آن انجام شده است می‌توان گفت سنگ‌هایی که نقوش روی آنها ایجاد شده به مرور زمان تیره و براق می‌شوند. این تیره و براق شدگی سطح سنگ‌ها احتمالاً به ترکیبات موجود در آنها بستگی دارد که مشخص کردن دقیق آنها نیاز به آزمایشات سنگ‌شناسی دارد (تریکار، ۱۳۶۹: ۸۷). بر خلاف سطح سیاه سنگ، درون آنها رنگ خاکستری روشنی دارد که رفته رفته قهوه‌ای و سپس سیاه می‌شوند. این فرایند را در زمین‌شناسی «ورنی صحرا» می‌گویند (فورون، ۱۳۶۴: ۲۴۵) که در مورد بسیاری از سنگ‌های مناطق خشک بیابانی اتفاق می‌افتد.

شباهت‌های نقوش صخره‌ای سنگ‌نگاره دره انجیر با سایر سنگ‌نگاره‌های موجود در منطقه خراسان جنوبی از نظر شکل و فرم به احتمال زیاد قدمت آن را به دوره پیش از تاریخ می‌رساند (لباف خانیکی، ۱۳۷۳). در ادامه به توصیف نقوش کشف شده از دره انجیر می‌پردازیم.

۶-۲-۱- نقوش حیوانی

۶-۲-۱-۱- نقش بزکوهی: با توجه به اسناد و مدارک موجود و بررسی‌های انجام شده می‌دانیم که نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ ایران حضور مستمر داشته است. در واقع، در این دوران هر یک از اقوام باستانی، بز را مظهر

یکی از عوامل سودبخش طبیعت قلمداد می‌کردند. همان‌گونه که ذکر شد در میان سنگ‌نگاره‌های نهبندان، بیشترین تعداد را نقش بز کوهی به خود اختصاص داده که یا به صورت خلاصه شده و غیرطبیعی و یا به شکل تقریباً طبیعی به نمایش درآمده اند. نقش این حیوان به حالت‌ها و اندازه‌های متفاوت به تصویر کشیده شده است. طول بدن این حیوان از سر تا دم نیم‌متر می‌باشد. این نقش، مشتمل بر بزى ریش‌دار است که در حالت ایستاده و نیم‌رخ با روش کنده‌کاری و ایجاد خراش بر صخره‌ها و همانند یک نقاشی با ایجاد خطوطی، کادربندی و عرضه شده است. شاخ‌های حیوان به شکلی کمی اغراق‌آمیز و بزرگ، دایره‌ای را تشکیل داده است. پای چپ این بز کوهی جلوتر از پای راست آن است و نشان‌دهنده جهش و در حرکت بودن آن می‌باشد (تصویر ۴). نکته قابل توجه که در تصویر هم آمده است، شباهت بسیار زیاد نقوش بز کوهی در سنگ‌نگاره با بزهای امروزی منطقه خراسان جنوبی است که نشانگر تداوم بقای این نسل از بز از دوران پیش از تاریخ تا امروز است. از نکات دیگری که در تصویر ۴ به آن اشاره شده و مقایسه شده است، نقش بز در سفال‌های مکشوفه از محوطه پیش از تاریخی شهر سوخته متعلق به هزاره سوم و چهارم ق.م. در جنوب شرق ایران می‌باشد. در این تصویر، جام معروف به اولین انیمیشن دنیا، که بر روی آن نقش بز حک شده است که در پنج حرکت متحرک به طرف درخت پرش می‌کند و از آن تغذیه می‌کند به تصویر کشیده شده است که از کاوش‌های سال‌های اخیر در شهر سوخته می‌باشد (سید سجادی، ۱۳۸۸: ۹۷) با نقش بز در سنگ‌نگاره دره انجیر مقایسه شده که شباهت در هر دو تصویر بسیار نمایان است و احتمالاً تاریخ این سنگ‌نگاره را تا دوران پیش از تاریخ به عقب باز می‌گرداند.

۶-۲-۱-۲- نقش شتر: این سنگ‌نگاره تصویر شتری است که دارای کوهان می‌باشد و اطراف ساق پای آن، کمی کلفت‌تر می‌باشد و به احتمال فراوان، پشم است که دور ساق پای شتر را فرا گرفته است. و از این نمونه شتر هنوز هم در منطقه شرق و جنوب شرق ایران به علت کویری بودن این منطقه به وفور یافت می‌شود. ابعاد طول این شتر از

سر تا انتها ۱۲ سانتی‌متر است و عرض آن ۸ سانتی‌متر می‌باشد (تصویر ۵).

۶-۲-۲- نقوش نمادین

یکی از مواردی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه با تعیین قدمت نسبی آثار باستانی و ارتباطات فرهنگی با مناطق دیگر ایفا کند علامت‌ها و نشانه‌هایی است که نماد و سمبل فرهنگ یا فلسفه‌ای خاص بوده و گستره‌ی فرهنگی جغرافیایی وسیعی را در بر می‌گیرد. بنابراین با بررسی تطبیقی آنها می‌توان تا حدود زیادی به زمان ایجاد نقوش، زمینه‌های فرهنگی و هنری مردمانی که آنها را به وجود آورده‌اند و فلسفه‌ی وجودی و ارتباط با سایر نقوش مجاور آنها دست یافت.

نقش کف دست بر روی سنگی بزرگ در مجاورت سنگ‌نگاره‌های دره انجیر ایجاد شده است و دارای مفهومی نمادین و احتمالاً آیینی می‌باشد. این سنگ‌نگاره به طول ده سانتی‌متر و عرض شش سانتی‌متر حکاکی شده است. نکته بسیار جالب در این سنگ‌نگاره شباهت شگفت‌انگیز آن با دیگر نقاط دنیا، با مضمونی یک‌نواخت است (تصویر ۶). نقش‌های پنجه‌های دست در بعضی غارها و کوه‌های ایران یافت می‌شود. شاید بتوان گفت مضمون نقش پنجه‌ی دست، مفهومی عبادی دارد. در تصویر ۶، تعدادی زیادی اثر کف دست بر روی سنگ در نقاط مختلف دنیا، برای مقایسه تطبیقی با سنگ‌نگاره دره انجیر قرار داده شده است (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

۷- نحوه و سبک اجرای سنگ‌نگاره‌ها

گاردنر^۱ (۱۳۶۵: ۳۶) می‌نویسد: «تصاویر گاو و گوسفند در غار لاسکو^۲ و دیگر غارها ... حکایت از وجود سنتی در نمایش شاخ‌های این جانوران دارد که پرسپکتیو^۳ پیچیده نامیده شده است، زیرا سرهای آنها را به‌طور نیم‌رخ ولی شاخ‌هایشان را از زاویه‌ای - کمی متفاوت - می‌بینیم».

کهن‌ترین تصاویر صخره‌ای دوره نوسنگی مربوط به دوران مس - سنگ یا کلکوتیک

-
1. Gardner
 2. Lascaux
 3. Perspective

(هزاره ۴-۶ ق.م.) است که روی صخره‌های بازالتی^۱، تصاویر جانورانی چون بز، گوزن، گاو وحشی و نیز درندگانی که جانوران دیگر را تعقیب می‌کنند مانند گرگ، یوزپلنگ، گربه وحشی، شیر و خرس ترسیم شده که اکثراً توسط ضربات بر روی سنگ حکاکی شده است. آنچه مسلم است ایجاد نقوش در آن دوره‌ها با استفاده از امکانات موجود بوده است و از همین رو می‌توان روش‌های اجرایی نقوش را در سه گروه دسته‌بندی کرد:

۷-۱- خراشیدن یا ساییدن در این روش تمامی نقش یا خطوط پیرامونی آن با ژرفای بسیار کم (یک تا دو میلی‌متر) و پهنای زیاد (نیم تا دو سانتی‌متر) و گاه بیشتر به روش چکشی یا سایش بستر ترسیم شده است.

۷-۲- بریدن لایه از سطح سنگ و درآوردن نقش مورد نظر از آن به صورت خطوط پیرامونی طرح با ژرفای بین ۰/۳ تا نیم سانتی‌متر و پهنای بین نیم تا دو سانتی‌متر، به صورت خطوط منظم و ظریف و یا به صورت بریدن حجمی نقش یا پهنای و ژرفای مورد نظر (متناسب با اندازه و ابعاد کلی نقش) در عین ظرافت و استحکام هنرمندانه و پرداخت یکنواخت.

۷-۳- کندن یا نقر کردن که از عمق کردن خطوط پیرامونی نقش یا تمامی آن بدون پهنای و حجم و تنها به صورت خطی با ژرفای سه تا پنج میلی‌متر (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۸). هر چند به عقیده باستان‌شناسان سنگ‌نگاره‌ها در دوران پارینه سنگی وجود نداشته‌اند ولی در به وجود آمدن بعضی از این هنرهای صخره‌ای در پیش از تاریخ شکی وجود ندارد. آنها نمونه‌های مشخصی از یک هنر جهانی هستند که بیشترین سابقه را در بین هنرهای شناخته شده دیگر دنیا دارند. این هنر از جمله مهم‌ترین شاخه‌های هنر تجسمی است زیرا نه تنها نخستین جلوه‌های شناخته شده از زیباشناسی و احساسات هنری اجداد دور انسان در نقاط مختلف جهان به نمایش می‌گذارد، بلکه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های بیان پیام‌ها و رواج فرهنگ‌ها بوده است. نیاکان ما باورها، اندیشه‌ها و مقدسات خود را بر دیوار زیستگاه‌ها و بعضی سطح ظروف و لوازم زندگی خود (مثل سفال‌ها، سنگ‌نگاره‌ها، سنجاق‌های سینه و ...) تصویر می‌کرده‌اند و این نقوش مبین پیام‌های گوناگونی هستند

1. Basalt

که هنرمند به زیبایی اندیشه‌پردازی کرده است به نحوی که امروز، آن نقوش و تصاویر با صاحبان نظر و کارشناسان مربوطه اهل فن سخن می‌گویند و بسیار مورد توجه واقع شده‌اند.

علاوه بر روش اجرای این سنگ‌نگاره‌ها، مورد دیگری که قابل توجه و مطالعه می‌باشد شباهت نقوش خصوصاً نقش بزهای ترسیم شده در نقاط و محوطه‌های مختلف به یکدیگر است و حتی در مناطقی که در فاصله‌ی بسیار از یکدیگرند و هیچ‌گونه ارتباط فرهنگی نداشته‌اند، بزها همواره شبیه به هم رسم شده‌اند.

در نهایت باید گفت با توجه به مجموعه‌ای از سنگ‌نگاره‌هایی که در مناطق مختلف خصوصاً ایران تاکنون شناسایی شده است می‌توان گفت سبک این نقوش اکثراً به شیوه انتزاعی و بر پایه ساده کردن تصاویر و اجزای آنهاست که احتمالاً با توجه به میزان فرصتی که طراح برای اجرای آن داشته و نیز عدم مهارت کافی برای تهیه یک نقش ماهرانه، به وجود آمده‌اند. روش اجرای این سنگ‌نگاره‌ها ایجاد آنها به شیوه‌ی قرار گرفتن نقاط ریزی که حاصل ضربات احتمالاً سنگ و یا ابزار دیگر بر روی سنگ زمینه است که این نوع حکاکی، به روش پیکسلی معروف است؛ هنگام دقت در این نوع نقوش، سبک اجرای آن با نقاشی‌های امپرسیونیستی^۱ قابل مقایسه است. البته باید به این نکته توجه داشته که در نقاشی‌های امپرسیونیستی قرار گرفتن لکه‌های رنگ که تشکیل‌دهنده نقاشی و به وجود آورنده تصویر است به محتوای اثر کمک می‌کند ولی در کنده‌نگاره‌ها سازنده این امر را تنها روش برای ایجاد نقوش در پیش روی داشته و بیشتر مربوط به روش اجرای این نقوش است.

اجرای نگاره‌های نه‌بندان همگی به شیوه‌ی کنده‌کاری و ایجاد نقوش با قرارگیری نقاطی که حاصل از ضربات است در کنار هم به وجود آمده‌اند و هیچ‌گونه خراشیدگی و یا رنگ‌گذاری بر سطح سنگ دیده نمی‌شود و سبک اجرای نقوش به شیوه انتزاعی می‌باشد. تصاویر حیوانات بالاخص بز به صورت کاملاً خلاصه شده ترسیم شده‌اند بدین‌گونه که از خطوط مستقیم با عرض بین یک تا ۲/۵ سانتی‌متر برای شکم، پاهای دم و سر

1. Impressionism

حیوان استفاده شده و از خط منحنی که گاهی تبدیل به دو نیم دایره که در موازات هم و با یک مرکزند برای شاخ‌ها در نظر گرفته شده‌اند. این شاخ‌ها در تعدادی از نقوش تا کمر حیوان برگشته است و تناسبی با بدن و پاهای بز ندارد و در بعضی موارد کوتاه و تنها در حد یک کمان کوچک است.

در نقش سگ، شتر و انسان شکارگر نیز اکثراً از خطوط قطور منحنی برای ایجاد نقش به‌کار رفته و تنها در دو نقش شتر و بز در حال ارتزاق از درخت زندگی شکم به‌صورت متفاوت در نظر گرفته شده و از طریق فضای پر و خالی بین دو خط منحنی متقاطع که یکی نشان دهنده پشت حیوان و دیگری خط زیر شکم است و وجود فضای خالی بین این دو خط و به نوعی ایجاد سایه و روشن بین آنها به‌وجود آمده است. همچنین برای تصویر نقوش دست‌ها، انگشتان از نقش شدن کامل به روش پیکسلی به‌وجود آمده و برای نشان دادن کف دست نیز خط حاشیه آن را تا اندازه‌ای قطور - در حدود یک سانتی‌متر و گاهی بیشتر - ایجاد کرده‌اند. ابعاد دست‌هایی که کنده شده اکثراً برابر با ابعاد واقعی دست انسان و در بعضی موارد تا حدودی بزرگتر است؛ در تمامی این نقوش عمق ایجاد شده بر روی سنگ‌ها بین یک تا سه میلی‌متر بیشتر نیست و هیچ‌گونه اثری از خراشیدن و یا برش نقوش از روی سنگ دیده نمی‌شود.

۸- تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها

در مواجهه با آثار و سنگ‌نگاره‌ها همیشه این نکته که این نقوش مربوط به چه دوره‌ای است و در چه زمانی ایجاد شده مورد سؤال بوده است که در این رابطه باید اذعان کرد متأسفانه در کشور ما به‌راحتی به این سؤال پاسخ داده نمی‌شود و دلیل این امر عدم دسترسی به امکانات آزمایشگاهی لازم برای تاریخ‌گذاری دقیق آنها و پرهزینه بودن آزمایش گاه‌نگاری است و معمولاً شیوه مرسوم مشخص کردن قدمت این نوع نقوش، تاریخ‌گذاری نسبی آنها بر اساس تطبیق نقوش، سبک و روش اجرای آنها در روی اشیاء و آثاری است که به‌صورت تاریخ‌دار تاکنون شناسایی شده است. در این راستا راه‌های مختلفی به‌کار گرفته می‌شود تا از روی تطبیق و مقایسه نقوش پی به تاریخ نسبی آنها

برده شود که بدان اشاره می‌کنیم:

بررسی و تحقیق در نوع حیوانات (وحشی و اهلی) با استفاده از تاریخ اهلی شدن حیوانات

نوع ابزار آلات (شکار و چوپانی نظیر تیر و کمان و نیزه و چوب‌دستی)

نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی و سبک هنری آنها

عمق نقوش

مجاری

کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها

کتیبه و نوشتار نگاره‌های سنگی

چنان‌که بیان شد تاریخ‌گذاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها در یک نگاه کلی به دو روش امکان‌پذیر است که یکی بررسی فرایندهای فیزیکی و شیمیایی است که در گذر زمان بر سطح سنگ‌ها و نقوش رخ داده و روش دیگر تطبیق و مقایسه نقوش و گاه‌نگاری آنهاست؛ در بررسی مقایسه‌ای، نشانه‌شناسی^۱ و تشخیص ذهنی عناصر نقوش به‌عنوان رکن اصلی کار محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان با شناخت شاخصه‌های تصویری هر دوره و مقایسه با سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه، به یک گاه‌نگاری نسبی برای آنها دست یافت.

در نشانه‌شناسی سنگ‌نگاره‌ها فارغ از کتیبه‌ها و نگاره‌هایی که ماهیت آن مبین دوره تاریخی خاص و منصوب به زمان مشخص می‌باشند سایر نقوش را از طریق مقایسه و شباهت در نقش و نحوه اجرا، با آثار تاریخی تاریخ‌دار به چهار گروه عمده تقسیم می‌کنند که هر یک مبین دوره‌ای خاص از زندگی انسان می‌باشد:

۸-۱- دوران سنگ: شاخصه اصلی نگاره‌های این دوره ترسیم آنها به‌صورت خلاصه

شده و ساده است و ترسیم اشکالی بدین‌گونه به اعتقاد باستان‌شناسان از دوره فرهنگی "سولوتره ان"^۲ آغاز گردیده و تا آخر دوره فرهنگی "مگدالنی"^۳ ادامه داشته است. در

1. Iconography

2. Solutrean

3. Magdaleinienne

این تصاویر زن معمولاً با تکیه بر خصلت زوایای او رسم شده و در مجموع تعداد آن از تصاویر مرد کمتر است. در این دوره نقاشی پیکر انسان جنبه استعاری داشته است (گوران، ۱۳۶۳: ۹۰).

۸-۲- دوران پیش از تاریخ: از جمله نقوش شاخص این دوران وجود تصاویر گیاهی، نقوش دست و مشخص‌ترین نقش این زمان صلیب شکسته است که نمونه‌های آن را بر روی سفال‌های این دوران به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. یکی از نقوش معروف این دوره نقش دو نیم‌دایره است که سر یکی در شکم دیگری قرار گرفته است. این علامت که «رمز حیات» نام گرفته در فرهنگ چین باستان به نماد فلسفه «یین و یانگ» شهرت دارد و نمود حیات و آفرینش است. نقش خاصی که به تعداد زیاد در این دوره رواج می‌یابد نقش بز است و تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی آن دوران وجود داشته است. در دوره پیش از تاریخ، هر قوم بز کوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می‌دانست. در لرستان بز کوهی مظهر خورشید و گاه فرشته باران می‌دانستند. در شوش و ایلام بز کوهی نماد فراوانی و رب النوع روئیدنی‌ها بود و در سومر نمایش دهنده خصیصه حیوانی خدای بزرگ بود (معصومی، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

۸-۳- دوران تاریخی: نقوش ویژه این دوره کتیبه‌هایی که گاهی همراه با تاریخ است و هم‌چنین نقوش تصویر شده با سبک تقریباً واقع‌گرایانه و رئالیسم که این امر نشأت گرفته از پیشرفت روش‌ها و توانایی در اجرای آن می‌باشد (لباف خانیکی و بشاش کنزق، ۱۳۷۳: ۲۹).

۸-۴- دوران اسلامی: شناسایی نقوش متعلق به این دوران کار چندان مشکلی نیست چرا که اغلب نقوش دارای کتیبه و تاریخ بوده‌اند و در سایر نقوش فاقد کتیبه، تصاویر قابل مقایسه و منبع ارجاع در تعداد بالا و با فراوانی زیاد وجود دارد. بر اساس آنچه بیان شد و با توجه به وجود نگاره‌هایی با مضامینی از جمله بز کوهی خلاصه شده، صحنه شکار، نقش بز و سگ در کنار روش اجرایی آن می‌توان این نقوش را به دوران پیش از تاریخ منسوب کرد و البته تعدد در لایه‌های نقوش و قرارگیری آنها بر روی یکدیگر و وجود نگاره‌هایی مانند نقش شتر و کف دست بیانگر آن است که کار

تصویرگری بر روی این سنگ تا دوره‌های بعد استمرار داشته است و شاید در دوره‌ای، این سنگ به عنوان نشانه‌ای برای کاروان‌های عبور کننده از مسیر منطقه نه‌بندان بوده است. همان‌طور که در بالا اشاره گردید، تاریخ‌گذاری اساسی‌ترین چالش در حوزه هنر صخره‌ای به‌شمار می‌رود؛ پژوهشگران با بهره‌گیری از مطالعات مردم‌شناسی، نشانه‌شناختی، با رفتار باستان‌شناختی و سایر علوم به تاریخ‌گذاری نقوش صخره‌ای می‌پردازند (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۸). از جمله راهکارهای اساسی در ارتباط با گاه‌نگاری نقوش صخره‌ای، بررسی باستان‌شناختی چشم‌اندازی که این نقوش در آن قرار گرفته‌اند، است. در این راستا، تا شعاع پنج کیلومتری اطراف سنگ‌نگاره‌های تنگه پنجه شیر و دره انجیر به دقت مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت؛ نتایج حاصل از این بررسی نشانگر این است که تمامی محوطه‌ها با توجه به شواهد سطحی همچون سفال و ابزارهای سنگی و میکرولیت‌ها و تعداد بسیار زیادی سرباره فلز که متعلق به دوره‌های ذوب فلز (تصویر ۷) بوده‌اند، متعلق به دوران پیش از تاریخ می‌باشد که البته تعدادی از این محوطه‌ها نیز متعلق به دوران تاریخی بوده و تا دوران اسلامی هم تداوم داشته است. به علت محدودیت‌ها و انجام نشدن آزمایشات شیمیایی بر روی این سنگ‌نگاره‌ها نمی‌توان نظر قطعی درباره تاریخ‌گذاری آنان داد و این کار مستلزم پژوهشی مستقل و همه‌جانبه است که نگارندگان بر این امیدند که در سال‌های آینده با انجام روش‌های نوین آزمایشگاهی و علمی بتوانند تاریخ قطعی برای این سنگ‌نگاره‌ها پیشنهاد دهند. اما با مقایسه تطبیقی سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه با سنگ‌نگاره‌های لایخ‌مزار در بیرجند متعلق به دوره اشکانی که توسط لباف خانیکی و بشاش (۱۳۷۳: ۷۹) مورد مطالعه قرار گرفته است، نشانگر آن است که نقوشی همانند بز، انسان سوار بر اسب، سگ و شتر شباهت بسیار زیادی با یکدیگر دارد. با مقایسه تطبیقی سنگ‌نگاره‌های نه‌بندان با دو محوطه شاخص و نزدیک در خراسان نتایج جالبی به‌دست آمد که در ادامه به آن می‌پردازیم. شباهت بسیار زیادی بین نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه هفت‌چشمه فردوس (تصویر ۸ و ۹) که در نقش کف دست و انسان شکارگر با نقوش به‌دست آمده در مناطق نه‌بندان کاملاً مشابه است و تاریخ‌گذاری نگاره‌های

هفت چشمه براساس تحقیقات انجام شده متعلق به دوران پیش از تاریخ و بالاخص عصر مفرغ معرفی شده است (اتفاقی، ۱۳۹۲: ۶۹). مقایسه تطبیقی دیگری سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه با نگاره‌های منطقه جربت (تصویر ۱۰ و ۱۱) واقع در شهرستان بجنورد صورت گرفت و پژوهشگری که این سنگ‌نگاره را مطالعه نموده براساس انجام آزمایشات شیمیایی این نقوش را متعلق به دوره پارتيان می‌داند و نقوش انسانی و حیوانی منطقه جربت شباهت بسیاری به نگاره‌های نهبندان دارد (مردانی و لندانی، ۱۳۹۲: ۶۸). با مقایسه گونه‌شناختی سنگ‌نگاره‌های نهبندان با سنگ‌نگاره‌های منطقه بلوچستان، منطقه نیک‌شهر (سلطانی، ۱۳۹۰: ۴۸) که متعلق به دوره پارتيان می‌باشد و فاصله چندانی از نقوش مذکور ندارند و شباهت‌های فراوانی در نقوش این دو سنگ‌نگاره مشاهده می‌شود می‌توان نتیجه گرفت که حوزه فرهنگی شرق و جنوب شرق ایران به شدت تحت تأثیر یکدیگر قرار داشته و نمی‌توان این حوزه فرهنگی را بدون در نظر گرفتن مناطق همجوار خویش مورد بررسی قرار داد.

نکته دیگر در بحث تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های نهبندان، بررسی و شناسایی بیش از ۳۰ محوطه در شعاع پنج کیلومتری سنگ‌نگاره‌های مذکور می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۵۸) که با جمع‌آوری سفال‌های سطحی و گونه‌شناختی آنها و همچنین آثار موجود بر سطح محوطه‌ها، این فرضیه را تأیید می‌نماید که سنگ‌نگاره‌های نهبندان از عصر مفرغ تا دوره حکومت پارتيان در شرق ایران ادامه داشته است، البته این تاریخ‌گذاری نسبی است و قطعاً باید برای روشن ساختن قدمت دقیق و مطلق این آثار از روش‌های آزمایشگاهی بهره برد.

نتیجه

در یک جمع‌بندی اجمالی، نتایجی را که تا این مرحله از بررسی نقوش صخره‌ای مزبور حاصل می‌شود می‌توان به قرار ذیل برشمرد:

سنگ‌نگاره‌های مکشوفه از نهبندان بر روی صخره‌های مرتفع در مناطقی صعب‌العبور در مجاورت منابع آبی مختلف همچون رودخانه و قنات و یا در مجاورت چشمه و آبشخوری طبیعی قرار دارند؛ این سنگ‌نگاره‌ها، در کناره‌ی راه‌های فرعی کوهستانی که به زیستگاه‌های باستانی راه دارند واقع شده‌اند.

تمام این نگاره‌ها به روش کنده‌کاری و با وارد آوردن ضربه‌های متوالی و یا ایجاد خراش با جسمی تیز بر بدنه‌ی صخره، حک شده‌اند. با این تفاوت که برخی نقوش با ایجاد خطوطی در حاشیه به صورت نوار جانبی محدود شده و فضای داخل آن خالی گذاشته شده است. برخی دیگر از نقش‌ها با همان روش اما به صورت توپر اجرا شده‌اند بدین طریق که تمامی سطح نقش و لایه‌ای نازک از صخره، کنده‌کاری شده است.

به‌طور کلی نقش‌مایه‌ها مشتمل بر نقوش انسانی، حیوانی، علایم و نشانه‌های نمادین و یا نقوش گیاهی می‌باشند. بیشترین تعداد نقوش به نقوش حیوانی و به‌ویژه بزکوهی و نقشی شبیه سگ، اختصاص دارد. نقوش حیوانی مانند بزهای کوهی با شاخه‌ای اغراق‌آمیز، قوچ، گاو میش کوهان‌دار، گربه‌سانان نظیر شیر و یوزپلنگ، اسب، گوزن، گرگ و روباه؛ نقوش انسانی هم مشتمل بر نقش انسان برهنه (مرد) در حال تیراندازی با کمان، و سوارکاران کمان‌دار، در مجموع صحنه‌هایی از شکار، نزاع و نظیر آن را به‌وجود آورده‌اند. اگر چه محققین نتوانسته‌اند در باب گاه‌نگاری و تعیین قدمت دقیق نقوش صخره‌ای به نتیجه‌ای مشخص برسند، اما وجود عواملی هم‌چون کیفیت نقوش و نوع ماندگاری آنها و هم‌چنین علایم و نشانه‌ها و نقوشی که ریشه‌های فرهنگی - هنری خاصی داشته و نمونه‌های آن در مناطق دیگر باستانی به وفور مشاهده شده، تا حدود زیادی می‌تواند در این زمینه ما را یاری کند. از این‌رو و با توجه به شواهد و قراین و دلایل و مقایسه‌هایی که در بخش‌های قبلی ذکر شد و گونه‌شناختی سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه با سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار، جربت، هفت‌چشمه فردوس و بلوچستان و هم‌چنین تعداد فراوانی محوطه دارای

سربار فلز و محوطه‌های متعلق به دوره پارت که در مجاورت سنگ‌نگاره‌های مذکور قرار دارند می‌توان چنین فرض نمود که نگاره‌های صخره‌ای نهبندان، یادمان‌هایی از دوران پیش از تاریخ (عصر مفرغ) تا پایان حکومت پارتیان در شرق ایران می‌باشد. بر تمام این سنگ نگاره‌ها روح طبیعت سیطره دارد و نقوش، برگرفته از نوعی زندگی چوپانی و در مواردی زندگی وابسته به شکار است و در مواردی شاید بتوان برخی از نقوش را در ارتباط با تفکرات شمنی دانست.

در پاسخ به این سؤال که این‌گونه سنگ‌نگاره‌ها با چه هدفی نقش شده است باید گفت اولاً حک تصاویر حیوانات، نوعی علامت‌گذاری و اطلاع‌رسانی مکان‌های شکار محسوب می‌شده. ثانیاً نوعی ارتباط روانی ناشی از باورهای شکارگر درباره‌ی حیوان مورد نظر تلقی می‌شده و جنبه‌ی آیینی هم داشته است. ثالثاً کوچک بودن نگاره‌ها، استفاده از خطوط ساده‌ی عمودی و افقی، کنده شدن آنها در کنار هم و در فواصل زمانی، بهره‌گیری از ابزارهای ساده‌ی سنگی برای کندن نقوش، جملگی بر این دلالت دارند که نگارگران از سر تفنن و سرگرمی به چنین کاری مبادرت نکرده‌اند. بنابراین اطلاق عنوان نگارگری چوپانی به آنها صحیح نیست و بهتر است نگارگری شکارگران نامیده شود.

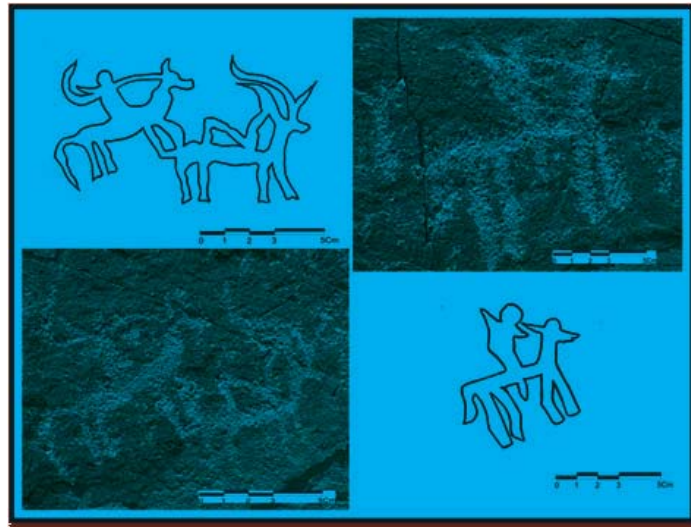
اصولاً خلق چنین صحنه‌ها و تصاویر نه تنها بیانگر احساسات و عواطف و اندیشه‌های ایجاد کنندگان آنهاست، بلکه نگرش و دیدگاه انسان‌های قبل از تاریخ را به صورت نمادین با محیط طبیعی خود اعم از حیوان و گیاه و آب نشان می‌دهد و خلاقیت هنری مردمانی را که هزاران سال قبل صورت گرفته و به تدریج تا به امروز متحول شده است، می‌نمایاند، به طوری که بررسی آنها می‌تواند تاریخ‌خانه‌ی مبهم و اسرارآمیز دوره‌های قبل از تاریخ را برای پژوهش‌گران روشن نماید.

منابع

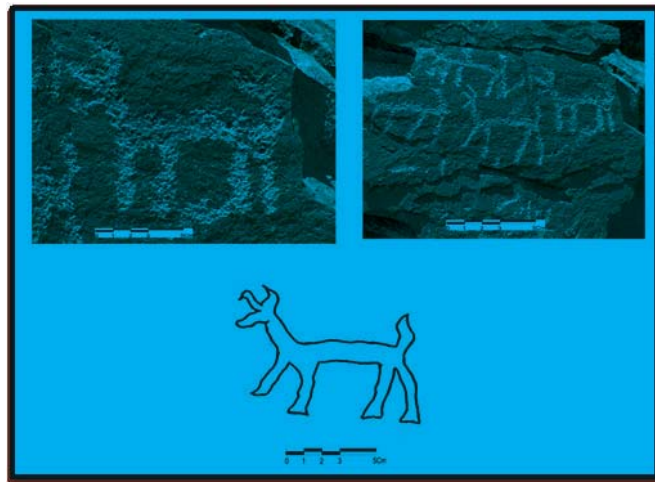
۱. اتفاقی، هاشم (۱۳۹۲). "سنگ‌نگاره های چاه‌چشمه فردوس". در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. بیرجند: دانشگاه بیرجند. ۱۵۷-۱۶۹.
۲. تریکار، ژان (۱۳۶۹). *اشکال ناهمواری در نواحی خشک*. ترجمه مهدی صدیقی و محسن پور کرمانی. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت پژوهشی.
۳. چاپلید، گوردون (۱۳۵۷). *انسان خود را می‌سازد*. ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل اتایی. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۴. زارعی، علی؛ سروش، محمدرضا (۱۳۹۱). "پژوهش‌های باستان‌شناختی جنوب خراسان". در: مجموعه مقالات هشتاد سال باستان‌شناسی ایران. گردآورندگان یوسف حسن زاده و سیما میری. تهران: پازینه: ۲۴۷-۲۶۵.
۵. رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۴). *سنگ‌نگاره‌های ارسباران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی.
۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان جنوبی (۱۳۸۳). *خراسان جنوبی در آینه آمار*. بیرجند: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان جنوبی، معاونت آمار و اطلاعات.
۷. سلطانی، مجتبی (۱۳۹۰). "بررسی سنگ‌نگاره‌های بلوچستان (سرباز و نیک‌شهر)". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۸. سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۸). گزارش‌های شهر سوخته ۲ (کاوش در گورستان ۱۳۸۰-۱۳۸۲) با مقالاتی از فرزاد فروزانفر، روح‌الله شیرازی و رجب محمدضروی. زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان، پژوهشکده باستان‌شناسی.
۹. عسگری خانقاه، اصغر؛ کمالی، محمد شریف (۱۳۷۸). *انسان‌شناسی عمومی*. تهران: سمت.
۱۰. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۶). "معرفی نقوش صخره‌ای نویافته در سیرجان و شهر بابک". *فصلنامه میراث فرهنگی*، ش ۱۷ (بهار و تابستان): ۴۷-۶۲.

۱۱. ----- (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد، گزارش مجموعه سنگ‌نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌ای تیمره. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲. فورون، رمون (۱۳۶۴). زمین‌شناسی فلات ایران (ایران، افغانستان و بلوچستان). ترجمه عبدالکریم قریب. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۱۳. قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
۱۴. کریمی، فریبا (۱۳۸۰). "پژوهشی در کنده‌نگاره‌های سنگی و صخره‌ای ایران، با تکیه بر نمونه‌های برگزیده قم و میمند شهربابک". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
۱۵. ----- (۱۳۸۶). "نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی". *باستان پژوهی*. ش ۳ (پاییز): ۲۷-۲۹.
۱۶. گاردنر، هلن (۱۳۷۹). هنر در گذر زمان. به تجدید نظر هورست دلاکروآ و ریچارد ج. تنسی. ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی. تهران: نگاه؛ آگاه.
۱۷. گوران، آندره لوروا (۱۳۶۳). *دانسته‌ها و ندانسته‌های تاریخ هنر*. ترجمه نورالدین فرهیخته. تهران: نشر پویش.
۱۸. لباف خانیکی، رجبعلی؛ بشاش کنزق، رسول (۱۳۷۳). "سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند". سلسله مقالات پژوهشی ۱، معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۶-۱۶۹.
۱۹. محمدی قصریان، سیروان (۱۳۸۶). "مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران: مشکلات و راهکارها". *باستان پژوهی*، دوره جدید، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۹۹-۱۲۵.
۲۰. مردانی ولندانی، آییگین (۱۳۹۲). "بررسی سبک شناسی سنگ‌نگاره‌های جربت در خراسان شمالی". در: اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. گردآورنده دانشگاه بیرجند، دانشکده هنر و معماری.
۲۱. معصومی، غلامرضا (۱۳۸۲). "نقش بز کوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ

۲۲. ملاحی، حکمت‌الله، و دیگران (۱۳۸۶). باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستان استان قزوین. *باستان‌پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۳۵-۴۹.
۲۳. ناصری فرد، محمد (۱۳۸۸). *سنگ‌نگاره‌های ایران*. تهران: نشر خمین.
۲۴. نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۱). گزارش بررسی باستان‌شناختی شهرستان نهبندان. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].
۲۵. هاشمی زرج‌آباد، حسن (۱۳۹۱). گزارش بررسی سیستماتیک باستان‌شناختی بخش شوسف نهبندان. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی [چاپ نشده].



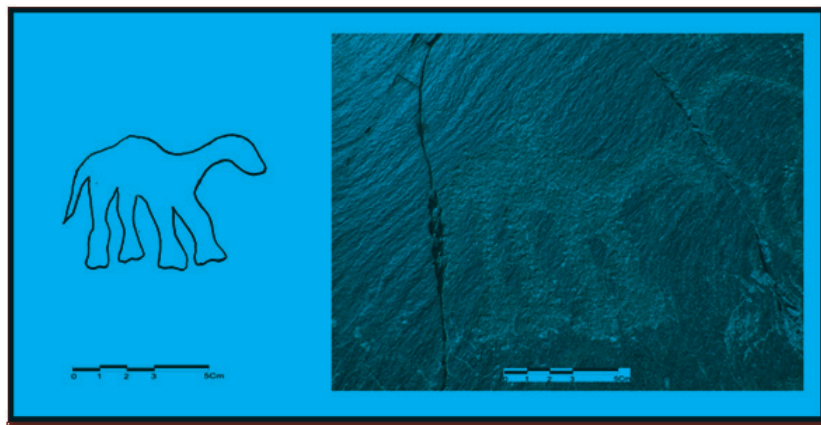
تصویر ۲) نقوش انسان شکارگر نیزه‌دار و سوار بر اسب



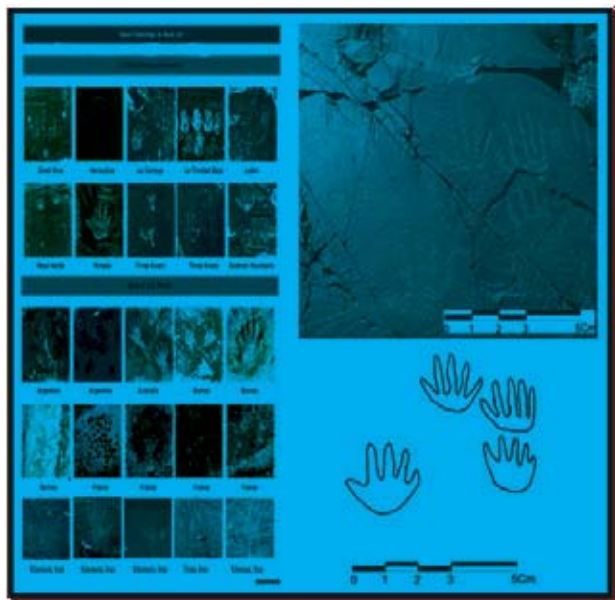
تصویر ۳) نقش سگ در سنگ‌نگاره‌های مکشوفه



تصویر ۴) نقش بز در سنگ‌نگاره دره انجیر و مقایسه آن با بز امروزی و نقوش سفال پیش از تاریخ شهر سوخته



تصویر ۵) نقش شتر در سنگ‌نگاره دره انجیر



تصویر ۶) نقش نمادین سنگ‌نگاره کف دست و مقایسه آن با سایر نقاط دنیا

(ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۱۵۴)



تصویر ۷) محوطه دارای سرباره (در شعاع دو کیلومتری سنگ‌نگاره‌ها) (هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۱: ۲۷۸)



تصویر ۸) سنگ‌نگاره چاه هاشم فردوس - نگاره بز با شاخ کوتاه و کف دست (وجه شمالی سنگ)
(اتفاقی، ۱۳۹۲: ۷۹)

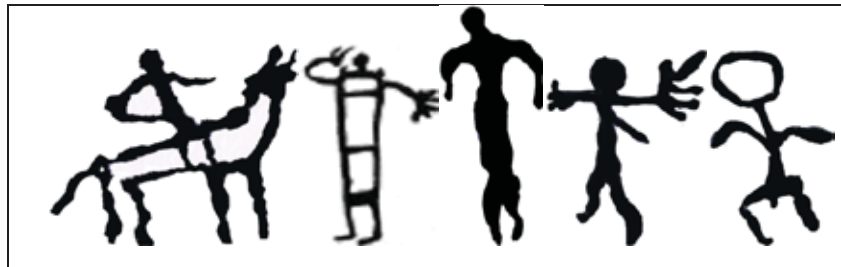


تصویر ۹) سنگ‌نگاره هفت‌چشمه فردوس - نگاره‌های بز و درخت زندگی و شتر (وجه جنوبی سنگ)
(اتفاقی، ۱۳۹۲: ۱۵۱-۱۷۴)



تصویر (۱۰) نمونه‌هایی از نقوش حیوانی موجود بر صخره‌های جربت (خراسان شمالی)

(مردانی ولندانی، ۱۳۹۲: ۵۵)



تصویر (۱۱) نمونه‌هایی از نقوش انسانی موجود بر صخره‌های جربت (مردانی ولندانی، ۱۳۹۲: ۵۵)